



کارگران جهان همبسته شوید

گاهنامه

شماره 141 \* 4 فروردین 1388 \* 24 مارس 2009

# سوسیالیسم افقی روشن در برابر جنبش زنان

چیا قادری

این روزها در شرایطی به استقبال 8 مارس روز جهانی زن می‌رویم که جمهوری اسلامی با وحشیانه‌ترین شیوه‌های سرکوب و با اتکا به فرهنگ مردسالارانه و ارتجاعی خود، جامعه را برای زنان به یک زندان بزرگ تبدیل کرده است. زنان در ایران نه تنها قربانی نظام سرمایه‌داری می‌باشند بلکه حاکمیت مذهب نیز ستمگری و خشونت را علیه زنان تشدید و نهادینه نموده است.

مسئله زن بعنوان یک مسئله اجتماعی صرفاً مختص به زنان نیست بلکه این مسئله در کلی‌ترین وجه بر آن رابطه مشخص اجتماعی دلالت دارد که تحت آن موقعیت اجتماعی زنان در مقایسه با مردان متضمن نابرابری، فرودستی و انقیاد جنس مونث می‌باشد.

با تکیه بر رساله مشهور انگلس به نام "منشا خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" که یکی از ارزنده‌ترین آثار کلاسیک مارکسیستی است، تلاش خواهیم کرد ابتدا در یک نگاه کوتاه تاریخی به چگونگی فرآیند پیدایش مسئله فرودستی جنس مونث اشاره‌ای گذرا داشته باشیم.

اختیار داشتن منابع تولید ثروت بیشتر تقویت گردید.

همراه با درجه پیشرفت تولید ثروت‌های مادی از طریق کشاورزی، اهلی کردن حیوانات و استفاده از کار بردگان اجتماعات متکی بر بنیان‌های تیره مادری درهم فروریخت و آن شکلی از خانواده پدیدار گردید که بر بنیان مالکیت خصوصی و تسلط مرد بر زن بنیان یافته بود.

تقسیم کار طبیعی میان زن و مرد در کمون اولیه به خودی خود زمینه ساز تنزل موقعیت اجتماعی زنان نگردید زیرا هنوز وسایل تولید ثروت اجتماعی

رایج گردید که براساس آن زنان بیشتر به کار خانگی و نگهداری از فرزندان و مردان به کارهای بیرون از خانه مثل شکار و یا جنگ می‌پرداختند، در واقع این تقسیم کار طبیعی، ساده و خود خودی حد نهایت تکامل کمونیسیم اولیه محسوب می‌گردد. لیکن باید توجه داشت که در این دوره هنوز برتری مردان بر زنان پا به عرصه وجود ننهاده است زیرا نتایج و دستاوردهای صنعت خانگی کمتر از نتایج کار و فعالیت مردان در بیرون از خانه نبود، اما وقتی ثروت اجتماعی گسترش یافت و این ثروت بیرون از خانه و توسط مردان تولید گردید موقعیت مردان به خاطر در

قبل از آنکه جوامع منقسم به طبقات شکل گیرند، زمانی که ساخت و نوع سازمان خانواده، سازمان اجتماعی را نظم می‌داد، در طی یک پروسه تاریخی طولانی و بعد از سپری شدن دوره‌ای که تحت آن مناسبات جنسی به صورت طبیعی و فارغ از موازین فرهنگی و اخلاقی بر رابطه دو جنس سایه افکنده بود، همراه با آشکار شدن نتایج زیان آور باروری جامعه انسانی حدی از محدودیت در مناسبات جنسی میان زنان و مردان ظهور یافت که بعدها بتدریج و در طول زمان در راستای شکل تک‌همسری خانواده متحول گردید. ضمناً در همین ایام نوعی تقسیم کار طبیعی و خود به خودی در میان زنان و مردان

نقشی والا و اساسی است، در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نیز هر چند زنان توانسته‌اند در راه تغییر موقعیت خویش و تثبیت امتیازات حقوقی و قانونی برای خود به موفقیت‌های چشمگیری نائل آیند اما در هر حال نظام سرمایه‌داری هم چنان مهر و نشان مردسالاری را بر چهره دارد.

مسئله زن نمی‌تواند به نحوی ریشه‌ای و بنیادین در چهارچوب نظام سرمایه‌داری جواب واقعی خود را بیابد زیرا اساساً دو شرط پایه‌ای برای استقرار شرایط برابری کامل موقعیت اجتماعی زن و مرد عبارتند از: زنان در مقیاس توده‌ای به حوزه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وارد شوند و هم چنین سنگینی کار طاقت فرسای خانگی و بچه‌داری از دوش زنان برداشته و به یک وظیفه اجتماعی تبدیل شود.

بنابراین فقط با احراز چنین شرایطی، برابری کامل موقعیت زنان و مردان امکان‌پذیر است لیکن تحقق خود این شرایط در گروهی آن است که مالکیت بورژوازی به مالکیت اجتماعی در جامعه تبدیل گردد. بنابراین جنبش زنان برای رهایی کامل باید از چهارچوب مبارزات بورژوازی فراتر رود و خود را به جنبش سوسیالیستی - کارگری با هدف نابودی سرمایه‌داری پیوند و سرنوشت خود را به سرنوشت این جنبش گره بزند.

هرچند جنبش زنان دارای نواقصی می‌باشد لیکن جنبشی انقلابی و دارای پتانسیل قدرتمندی است که می‌تواند در تحولات آتی جامعه نقش مهمی ایفا نماید. به رغم همه فراز و نشیب‌ها خوشبختانه زنان مبارز هیچ گاه از پای ننشستند و همچنان در برابر تهاجم رژیم سرکوبگر و ارتجاعی جمهوری اسلامی ایستاده و برای تغییر موقعیت اجتماعی خود و تثبیت حقوق‌شان تلاش می‌کنند به طوری که در دهه 1370 شاهد اوج گیری نوین مبارزات اجتماعی زنان بودیم و اینک جنبش مزبور با تمام گرایش‌های درونی خود به یک جنبش قدرتمند تبدیل شده است که در راه بی‌بازگشت خود با هدف عقب راندن جامعه مردسالار، کسب موقعیت اجتماعی برابر با مردان و استقرار

سرمایه‌داری مسئله زن به عنوان یک جنبش اعتراضی اجتماعی پدیدار نگردید اگر هم زنان نسبت به موقعیت فرودست‌شان اعتراضی داشتند این امر کمتر به صورت یک جنبش مستقل توده‌ای ظاهر می‌گردید، ولی با توسعه سرمایه‌داری و اهمیت جایگاه نیروی کار زنان و در نتیجه کشاندن میلیون‌ها زن به عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مسئله زن به عنوان یک معضل اجتماعی امکان ظهور یافت.

با راهیابی زنان به عرصه فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و به دوش گرفتن بسیاری از وظایفی که قبلاً بر عهده مردان بود زنان عملاً در موقعیتی قرار گرفتند که تا حد زیادی می‌توانست با موقعیت مردان در جامعه در مقام قیاس و رقابت قرار گیرد. این امر به نوبه خود زمینه و شرایط برانگیختن جنبش اعتراضی را فراهم گردانید که در چهارچوب آن زنان خواهان کسب موقعیت برابر با مردان در جامعه گردیدند و بدینسان جنبش زنان بصورت یک جنبش مستقل اجتماعی که خواستار رسمیت یافتن حقوق قانونی و خواسته‌هایی چون حق رأی، مزد برابر برای کار برابر و امثالهم برای زنان می‌باشد، پا به عرصه وجود نهاد.

جنبش زنان در جامعه سرمایه‌داری خود مستقیماً یک جنبش طبقاتی نیست ولی خارج از مدار مبارزه طبقاتی هم قرار نمی‌گیرد زیرا زنان نیز مانند مردان به طبقات و اقشار گوناگون اجتماعی تقسیم می‌شوند. گرچه جنبش زنان بطورکلی یک هدف اساسی را دنبال می‌کند که همانا عبارت است از کسب موقعیت اجتماعی برابر با مردان لیکن سنگینی پیشبرد چنین جنبشی بیش از همه بردوش زنان کارگر و زحمتکش قرار دارد چرا که این زنان کارگر هستند که از سویی به عنوان کارگر استثمار می‌شوند و حتی از درجه استثمار و نا امنی شغلی بیشتری نسبت به مردان کارگر رنج می‌برند و از سوی دیگر به دلیل جنسیت خود به مثابه انسان درجه دوم محسوب و تحقیر می‌گردند.

بنابراین در جنبش زنان نقش زنان کارگر و فعالین زن کمونیست

در دست مردان متمرکز نبود و جامعه مبتنی بر مالکیت خصوصی شکل نگرفته بود، لذا این اولین تقسیم کار میان دو جنس نمی‌توانست خود به خود موجب فرودستی موقعیت اجتماعی زنان گردد. تنها زمانی که تمرکز وسایل تولید ثروت عمدتاً در اختیار مردان قرار گرفت جامعه مردسالاری شکل پذیرفت و به همراه آن خانواده مبتنی بر تیره مادری جای خود را به خانواده پدرسالار مبتنی بر مالکیت خصوصی و برتری مرد بر زن داد.

از آن زمان به بعد و همپای سیر پیشرفت تاریخی جوامع طبقاتی زنان محکوم به انجام کارهای خانگی، بچه داری، سرپرستی از شوهر و امثال آن گردیدند و تقریباً از هرگونه مشارکت فعال و موثر در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محروم شدند.

تنزل زن به موقعیت فرودست و تسلط مرد بر جنس مونث در بستر یک فرآیند تاریخی شکل گرفت که همراه با آن جامعه نیز به طبقات تقسیم گردید، در حقیقت جدایی میان رشته‌های مختلف کار و فعالیت اقتصادی و تولیدی در حوزه‌های کشاورزی، دامپروری، صنعت و تقسیم کارها به فعالیت‌های فکری و پیدی و بکارگیری نیروی بردگان همگی منجر به پیدایش مالکیت خصوصی و متعاقب آن تقسیم جامعه به طبقات گردید و بدینسان زمینه‌های مادی و عینی برتری موقعیت مردان بر زنان و شرایط فرودستی جنس مونث فراهم آمد.

بنابراین برخلاف تصور رایج میان بخشی از فمینیست‌های ایرانی علل فرودستی زنان و تنزل موقعیت آنان در جامعه را نباید در خصوصیات مردان و یا تفاوت‌های فیزیکی دو جنس جستجو نمود زیرا پدیده فرودستی زنان محصول روندی تاریخی است که با تکیه بر فرآیندهای مادی و شیوه تولید و مناسبات اقتصادی جامعه تبیین پذیر می‌باشد.

گرچه تنزل زنان به موقعیت فرودست به دوران بعد از کمون اولیه و شکل‌گیری جامعه برده‌داری بر می‌گردد لیکن تا پیش از عصر

جامعه‌ای بر بنیان ارزش‌های انسانی به پیش می‌رود.

لازم است بر این نکته تاکید نمود که زنان کمونیست و سوسیالیست نیاستی با گرایشات لیبرالی و رفرمیستی در درون جنبش زنان که معتقدند جمهوری اسلامی را می‌توان اصلاح کرد و با طرح مطالبات مشخص بهبود موقعیت اجتماعی زنان در چهارچوب رژیم اسلامی امکان پذیر است مماشات نمایند، مبارزه با گرایشات رفرمیستی در جنبش زنان نیاز به پیگیری و نشان دادن استعداد و توانمندی رهبران چپ در بسیج توده زنان ستمدیده را دارد.

باید به زنان نشان داد که هرگونه تغییر واقعی و اساسی در موقعیت اجتماعی آنان و تثبیت حق و حقوقشان

به تغییرات اساسی در بافت و ساخت سنتی جامعه ایران و به تحولی اساسی در فرهنگ و نظام ارزشی آن مشروط می‌باشد و این امر تنها از رهگذر سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و متلاشی ساختن ساختار سرمایه‌داری و جامعه مردسالاری میسر است که آن روز بی شک دور نیست. نوسازی جامعه مدنی بر بنیان ارزش‌ها و معیارهای مدرن به زنان امکان می‌دهد تا موقعیت اجتماعی خود را نسبت به مردان بهبود بخشند. جنبش سوسیالیستی و کمونیستی باید بتواند مبارزه با رفرمیسم در درون جنبش‌زنان را به پروسه تقویت گرایش سوسیالیستی در جنبش مزبور که به استقامت، عمق یابی، پایداری و تداوم کار جنبش یاری می‌رساند مرتبط سازد.

هشت مارس روز تجدید پیمان با زنان مبارزی است که به خاطر تحقق خواسته‌های انسانی در زندان در زیر شکنجه‌های غیرانسانی نظام سرمایه به سر می‌برند و حتی در این راه جان خود را از دست داده‌اند، هشت مارس فرصتی است که از خلال آن جنبش زنان بانگ رسای بشریت آزادی خواه و عدالت‌طلب علیه سیاست‌های ضد انسانی سرمایه‌داری و ارتجاع مذهبی را به گوش جهانیان می‌رساند.

**گرامی باد 8 مارس روز جهانی زن**

**زنده باد سوسیالیزم**

اسفند ماه 1387

برگرفته از جهان امروز شماره 222

\*\*\*\*\*

## طومار امضا برای افزایش دستمزدها؛ یا فرمان عقب نشینی به کارگران!

نوشته شده توسط عمو اوغلی

افزایش مداوم فشار اقتصادی بردوش کارگران، افزایش قیمت مایحتاج اولیه زندگی و بیکارسازی‌های وسیع، عدم پرداخت بموقع حقوق و دستمزدها، جلوگیری از ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری سرکوب اعتراضات و اعتصابات پراکنده وضعیتی را پیش آورده است، که کارگران معترض از جمله عناصر پیشرو کارگری به همراه روشنفکران طرفدار طبقه‌ی کارگر هراز چندگاهی تلاش می‌کنند با دست زدن به اقداماتی و طرح خواسته‌هایی سراسری تا بلکه بتوانند منشاء اثری در بیداری و به میدان کشیده شدن توده‌های وسیعی از کارگران شوند.

اخیراً نیز در همین راستا با توجه به سطح پائین دستمزدها و عدم تناسب آن با سطح مخارج تامین اولیه‌ترین مایحتاج زندگی تعدادی از تشکل‌های کارگری، ضمن فراخوانی خواستار افزایش دستمزد کارگران شده‌اند. این افراد و تشکل‌ها از همه‌ی کارگران در سراسر کشور خواسته‌اند تا با امضای گسترده طوماری به عنوان قدم اول

برای افزایش دستمزدها به حرکت آن‌ها بپیوندند.

تردیدی نیست که خواست افزایش دستمزد یکی از مبرمترین خواسته‌های کارگران ایران و بخش دیگری از حقوق بگیران نظیر معلمان جامعه محسوب می‌شود و بدون شک باید مورد پشتیبانی همه فعالین کارگری و مردم زحمتکش قرار گیرد، اما مسئله مهم این است که متأسفانه ما در شرایطی قرار داریم که کارفرماها حتی از پرداخت دستمزد اندک فعلی کارگران هم سرباز می‌زنند و یا ماه‌ها به عقب می‌اندازند. در چنین شرایطی تشویق کارگران به عملی بی‌اثر نظیر جمع کردن طومار امضا به جای تشویق آن‌ها به دست زدن به اعتصابات متحد و اعتراضات و تظاهرات خیابانی و تداوم این مبارزات ممکن است به پائین آوردن سطح مبارزات کارگران منجر شود و به جای سوق دادن آن‌ها به مبارزاتی متشکل و متحد به افراد منشی بین‌شان دامن زند و یا از ارتقای سطح مبارزات کارگران جلوگیری کند. فراخوان دهندگان باید

در نظر داشته باشند که ابزار و قدرت کارگر در مواجهه با صاحبان سرمایه اعتصاب و اشکال مختلف آن است نه جمع کردن طومار امضا! اگر کارگران تاکنون با صدها اعتصاب و تظاهرات بستن خیابان‌ها به مقابله با تهاجم سرمایه برخاسته‌اند امروز نیز کماکان ابزار اعتصاب مهم‌ترین و موثرترین ابزار مبارزات کارگران است و در شرایطی که ضعف مهم جنبش کارگری در این مبارزات عدم اتحاد و گستردگی اعتصابات است اتخاذ تاکتیک‌هایی نظیر جمع‌آوری امضا به جای کمک به رفع این ضعف و کمبود بیشتر و در عمل تشویق کارگران به عقب نشینی و توسل جستن به طومار امضا فرمان عقب نشینی دادن به کارگران است. متن فراخوان بیانیه سندیکاها و گروه‌های کارگری افزایش دستمزدها و برخورداری از یک زندگی انسانی حق مسلم ماست.

چهارشنبه ۷ اسفند ۱۳۸۷ -

۲۵ فوریه ۲۰۰۹

## یاران و همکاران!

سال‌هاست ما کارگران به دلیل دستمزدهای پایین و افزایش بی‌وقفه هزینه‌های زندگی با فقر و نداری دست و پنجه نرم می‌کنیم و بطور دائمی و روزمره شرمنده همسر و فرزندان خود هستیم. در طول این سال‌ها هر کدام از ما بنوبه خود تلاش

کرده‌ایم از طریق اضافه کاری‌های طاقت فرسا و دست و پا کردن شغل دومی، درصد ناچیزی از رنج و آلام خانواده‌هایمان برای گذران زندگی را کاهش دهیم.

اما واقعیت این است که دیگر با این دستمزدها و گرانی سرسام آور موجود، نه اضافه کاری و نه شغل دوم نمی‌تواند گرهی از فقر و تنگدستی ما باز کند. گذشته از این، آیا شایسته است ما به دلیل دستمزدهای پایین و فشار کمرشکن هزینه‌های زندگی مجبور شویم تن به اضافه کاری‌های طاقت فرسا و شغل دوم بسپاریم و شب‌ها جسم و روح رنجور و فرسوده خود را به منزل برسانیم و حالی و فرصتی برای استراحت و تفریح و بودن در کنار خانواده نداشته باشیم.

### دوستان و همکاران!

ما تولیدکنندگان اصلی ثروت‌ها و نعمات موجود در جامعه هستیم و این حق مسلم ماست که فقط با اشتغال در ساعات رسمی کار، چنان دستمزدی دریافت کنیم که ضمن برخورداری از رفاه و آسایش، دیگر مجبور نشویم به اضافه کاری‌های طاقت‌فرسا و شغل دوم تن در دهیم.

این حق ماست و حق گرفتنی است. از اینرو ما امضاکنندگان این بیانیه از شما همکاران در تمامی کارخانه‌ها، پروژه‌های خدماتی و ساختمانی و غیره در سراسر کشور می‌خواهیم تا با امضای گسترده طومار زیر به عنوان قدم اول برای افزایش دستمزدها به حرکت ما بپیوندید.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه - اتحادیه آزاد کارگران ایران - سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه - انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه - کارگران شرکت ریسندگی پریس - کارگران کارخانه شاهر - کارگران فرش غرب بافت و جمع‌هایی از کارگران: عسلویه - شرکت صنایع فلزی - لوله و پوشش سلفچگان - لاستیک البرز - نورد لوله و پروفیل ساوه - شرکت مکان سازان - پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه - کارخانه فرمان صنعت - کارخانه اخگرگاز - شرکت سیم کابل - آجر پزی شیل سنندج - کارخانه نیر پارس - گونی بافی سما - شرکت آجین سازه - کارخانه فراساز - صنایع شیمیایی اصفهان LAB - پتروشیمی اصفهان و جمع‌هایی از کارگران ساختمانی.

۲۶ آذر ماه هزار و سیصد و هشتاد و هفت

### توضیح:

کارگرانی که در سراسر کشور قصد پیوستن به طومار جمع آوری امضا برای افزایش دستمزدها را دارند می‌توانند با شماره تلفن‌های زیر تماس بگیرند:

- 1- تهران و استان‌های شمالی: رضا شهابی: ۰۹۱۹۲۰۳۴۰۸۷ - جعفر عظیم زاده ۰۹۱۲۳۴۶۸۷۷۲
- 2- استان‌های جنوبی: علی نجاتی: ۰۹۱۶۹۴۸۳۵۰۴ - رضا رخشان: ۰۹۱۶۹۴۲۰۴۳۰
- 3- استان‌های مرکزی: شاپور احسانی‌راد: ۰۹۱۹۲۵۵۰۳۷۳
- 4- استان‌های غربی: جوانمیر مرادی ۰۹۱۸۸۸۷۱۴۰۵ - شریف ساعد پناه: ۰۹۱۸۹۷۱۰۲۷۴
- 5- استان اصفهان: محمد رضا خوشکار: ۰۹۱۳۹۰۶۸۹۷۴
- 6- استان آذربایجان شرقی و غربی: سلام شیخی: ۰۹۱۹۴۸۰۲۰۲۸

\*\*\*\*\*

### از کارگران کارخانه‌ها، کارگران ساختمانی، خدمات و...

#### به شورای عالی کار

رونوشت به وزارت کار و امور اجتماعی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی.

دستمزد و حقوقی که طی سال‌های گذشته برای ما کارگران و سایر بخش‌های حقوق بگیر همچون معلمان، بازنشستگان و کارمندان جزء تعیین شده است، به هیچ‌وجه در طول این سال‌ها کفاف هزینه‌های زندگی ما را نکرده و با سیر صعودی هر ساله تورم، سال به سال خانواده‌های ما در فقر و فلاکت بیشتری فرو رفته‌اند. بطوریکه در شرایط حاضر و با توجه به گرانی سرسام‌آور مایحتاج زندگی، ما دیگر قادر به تامین حداقل معیشت نیز برای خود و خانواده‌هایمان نیستیم.

سال قبل حداقل دستمزد را برای سال هشتاد و هفت ۲۱۹۶۰۰ تومان تعیین کردید، اما میزان خط فقر بالای ششصد هزار تومان بود، این در حالی است که در طول سال جاری با افزایش بی سابقه تورم، فقر و فلاکت بیش از پیش سایه شوم خود را بر زندگی ما گستراند و کمر ما بیش از هر زمان دیگری در زیر فشار فقر و ناداری خرد شد.

هر انسان شریف و منصفی که در این مملکت زندگی می‌کند می‌داند که حتی با یک میلیون تومان هم، نمی‌توان آنچنانکه شایسته‌ی شأن انسان است زندگی کرد.

حال سؤال ما از همه شما کسانی که در کلیه سطوح دولتی در تعیین حداقل دستمزدها سیاست‌گذاری می‌کنید این است که آیا واقعاً حاضرید با دویست - سیصد هزار تومان در ماه، حتی سه روز زندگی کنید؟ پس چرا ما کارگران باید این را قبول کنیم؟ چرا ما باید این را قبول کنیم که سهم ما از تولید این همه ثروت و نعمت در جامعه، فقر و فلاکت روزافزون باشد؟ ما اعلام می‌کنیم که دیگر نمی‌توانیم زیر خط فقر زندگی کنیم و تداوم این زندگی برای ما غیر قابل تحمل است.

از این رو ما خواهان تعیین حداقل دستمزد با احتساب تامین یک زندگی شرافتمندانه و مرفه برای یک خانواده چهار نفره از طریق دخالت مستقیم نماینده‌های منتخب مجامع عمومی کارگران هستیم.

تامین یک زندگی شرافتمندانه و انسانی حق ما کارگران و تمامی مزد بگیران است و این خواستی است که ما با امضای این طومار مصرانه بر آن پای می‌فشاریم.

**از افزایش دستمزد تا لغو کار مزدی!**